

مستندات پژوهش سفید- ویژه ی مطالعات یادگیری زبان انگلیسی

(مستندات سفید از چهار نوع مستندات پژوهشی منتشر شده توسط مؤسسه)

(ویژه ی معلومات عمومی- به زبان ساده)

هیئت تحریریه داخل کشور

دکتر محمد ابراهیم پور	دکتر حمید بدیعی	دکتر نبی بوستان	دکتر یوسف بخشی زاده	دکتر کرم ا... جوانمرد
دکتر ابراهیم حدادی	دکتر اکبر خنسی	دکتر معصومه خسروی	دکتر امیر عسکری	دکتر ناهید زینی حسونند
دکتر سید حسین فاضلی	دکتر محمد رضا فلاحتی	دکتر علیرضا قادری	دکتر علیرضا کربلائی	دکتر محمد گلشن
دکتر مجتبی مقصودی	دکتر آزاده نعمتی			

هیئت تحریریه خارج از کشور

(که نظرها و ایده های آنها ترجمه و به کار برده شده است)

Dr. Halder S.	Dr. Andrzej Lyda	Dr. R. Ramakrishna	Dr. Adam Pluszczyk
Dr. B. Ravaindranath	Dr. T. Manian	Dr. Somshekar G.	Dr. Artursw Swiatek

ویژه نامه ی اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ - قیمت: ۲۰۰۰ تومان

قبل از ارائه ی مقالات، بخش اول سوالات پرسیده شده از پژوهشگران مؤسسه، پاسخ داده می شوند

۱. بهترین روش برای آموزش یا یادگیری زبان انگلیسی کدام است؟

تاکنون هیچ روش آموزشی یا یادگیری زبان انگلیسی به طور کامل تایید یا رد نشده است. آن چه که امروزه در بین صاحب نظران مرسوم است این است که از نتایج آخرین دستاوردهای آموزشی باید بهره گرفت. بدین منظور بیشترین تاکید بر آن است که:

(الف) از روشی استفاده کنیم که بیشتر با روان ما مطابقت داشته باشد.

(ب) از روشی استفاده کنیم که بومی ساز شده باشد یعنی این که در منطقه و کشور ما بررسی و آزمایش شده باشد و موفقیت لازم را به دست آورده باشد.

(پ) هر روشی را با مشورت متخصصان یادگیری زبان انگلیسی و دقت بالا انتخاب کنیم، ولی باید توجه کرد که هر چند مدت روش تغییر ندهیم.

(ت) گاهی لازم نیست به طور کامل از یک روش تبعیت کنیم و می توان به همراه یک روش دیگر استفاده کنیم.

(ج) ممکن است که هیچ روشی به طور کامل با سیستم روانی یادگیری ما مطابقت نداشته باشد، آنچه که ما باید انجام بدهیم این است که در تبعیت از مناسب ترین روش انعطاف پذیری داشته باشیم.

پس با متخصصان یادگیری زبان انگلیسی مشورت کنیم و ببینیم از کدام روش یا روشها استفاده شود و چه وقت باید روشها را با هم به کار برد، چه وقت باید انعطاف پذیری کرد و الی آخر.

۲. آیا یادگیری زبان انگلیسی از زبان های دیگر مشکل تر است؟

از نظر زبانشناسی، هیچ زبانی سخت تر یا آسان تر از زبان دیگر نیست ولی کاربرد یک زبان در حیطه ی خاص باعث می شود که آن زبان ارجحیت کاربرد بیشتری نسبت به بقیه زبان ها داشته باشد. گاهی ساختار و کلمات یک زبان با یک حیطه، سازگاری بیشتری نسبت به بقیه زبان ها دارد.

از نظر یادگیری زبانی، زبانی را که می خواهیم یاد بگیریم هر چه به زبان مادری ما نزدیکتر باشد، یادگیری آن آسان تر است و هر چه از زبان مادری ما متفاوت تر، یادگیری آن سخت تر است.

۳. بهتر است فرزندان ما از چه سنی شروع به یادگیری زبان انگلیسی کنند؟

کودکان هر چه زودتر شروع کنند، بهتر است. یادگیری دو زبان مادری و انگلیسی با هم در یک مقطع زمانی، مشکلی از نظر روانی و یادگیری برای یک کودک ایجاد نمی کند و کاملاً طبیعی است یک کودک در سنین پایین هنگام صحبت کردن، کلمات زبان مادری خود را با کلمات زبان انگلیسی مخلوط کند ولی بعد از این که سن او بالاتر رفت، آنها را ناخودآگاه تفکیک می کند و به طور تفکیکی به کار می برد. پس جای نگرانی نیست.

۴. آیا واقعاً دانستن گرامر به یادگیری زبان انگلیسی کمک می کند؟

زمانی این باور وجود داشت که دانستن گرامر به یادگیری زبان انگلیسی زیاد کمک می کند و گرامر پایه ی اصلی یادگیری زبان انگلیسی است. ولی درحال حاضر مطالعات و روش های علمی امروزی چیزی غیر از این را نشان می دهند. این مطالعات نشان می دهند که گرامر آنچنان ارزش نداشته است که معلم ها در گذشته بر آن سرمایه گذاری آموزشی می کردند و باید در حد یک چاشنی و طعم دهنده آموزشی باشد. با یک مثال این مورد روشن تر می شود. استفاده از کمی نمک، خوردن خیار را با مزه می کند. ولی هیچ وقت درست نیست و پیش نمی آید که یک نفر نمک را یک جا بخورد، حتی اگر مقدار آن کم باشد چون شور است. گرامر هم حکم نمک را دارد که به تنهایی شور است و نباید یک جا آموزش داده شود و بهتر است آن را خیلی کم و به صورت غیر مستقیم تدریس نمود.

۵. آیا این ادعای تبلیغاتی که در مدت کوتاه می توان زبان انگلیسی را یاد گرفت، از نظر علمی درست است؟

در یادگیری زبان انگلیسی، هیچ الگو و مدل یادگیری درست، شکل میانبر ندارد. این میانبر ها، موضعی، کوتاه و تسکین دهنده هستند، نه درمان کننده. اگر واقعاً این روش های یادگیری زبان انگلیسی کار ساز بوده اند در حال حاضر مراکز دانشگاهی برتر دنیا از آنها حمایت می کردند.

۶. بهترین کتاب ها برای یادگیری زبان انگلیسی کدام هستند؟

تا به حال هیچ کتاب یادگیری زبان انگلیسی به طور کامل تایید یا رد نشده است. آنچه که امروزه در بین صاحب نظران مرسوم است این است که از نتایج آخرین دستاوردهای آموزشی باید بهره گرفت. نکته ی دوم که خیلی مهم است این است که قبل از شروع به انتخاب هر کتاب برای یادگیری زبان انگلیسی، باید کتابی را انتخاب کنیم که بیشتر با اهداف یادگیری ما سازگاری داشته باشد. به عنوان مثال، کتاب هایی که برای آموزش شیوه ی ترجمه تألیف شده باشند با آن کتاب هایی که به منظور آموزش صحبت کردن یا نوشتن به زبان انگلیسی تألیف شده باشند، خیلی متفاوت هستند و هر کدام برای هدفی تألیف شده اند. پس به طور اشتباه آنها را استفاده نکنیم زیرا علاوه بر این که زبان انگلیسی را یاد نمی گیریم، ما را از یادگیری زبان انگلیسی مأیوس می کنند.

۷. آیا گوش دادن اخبار به زبان انگلیسی در یادگیری زبان انگلیسی کمک می کند؟

از آنجایی که سطح تعداد لغات به کار برده شده در اخبار به زبان انگلیسی خیلی گسترده است و غالباً داوطلبان زبان انگلیسی از آن سطح خیلی پایین تر هستند، گوش دادن اخبار به زبان انگلیسی به هیچ عنوان پیشنهاد نمی شود. مگر این که افراد دایره ی لغات انگلیسی وسیع داشته باشند.

اگر سطح دانش زبان انگلیسی ما پایین باشد، گوش دادن اخبار به زبان انگلیسی به قصد یادگیری، به غیر از نفرت و ترس از یادگیری زبان انگلیسی چیز دیگری به ارمغان نمی آورد.

۸. چرا هرچه کلمات زبان انگلیسی را یاد می گیریم، زود فراموشی می کنیم؟

اغلب اوقات به این حالت، فراموشی نمی گویند، بلکه عدم توانایی در به یاد آوردن کلمات است. علت عدم به یاد آوردن کلمات انگلیسی به این دلیل است کلمات را به اندازه کافی تمرین نکرده ایم یا این که هنوز به اندازه کافی ذهنیت زبان انگلیسی ما

قوی نشده است که آن کلمات در ذهن ما باقی بمانند تا هر وقت بخواهیم آن ها را بدون مشکل به یاد آوریم. به یاد نیاوردن کلمات ربطی به خود زبان انگلیسی ندارد و هر چه باشد به روان و ذهن ما بر می گردد.
(ذهنیت زبان انگلیسی، درجه ای از توانایی زبانی است که هر گاه شکل بگیرد، فرد توانایی استفاده از یک زبان را بدون مشکل پیدا می کند).

۹. فرزند من دو زبان می داند (زبان های عربی و فارسی)، آیا این مسله اختلالی در یادگیری زبان انگلیسی ایجاد می کند؟

عمده ی مطالعات انجام شده درباره ی دو زبانی در کشورهای مختلف، ثابت کرده است که دو زبانه بودن نه تنها در یادگیری زبان سوم (مثلاً زبان انگلیسی) کمک می کند، بلکه افرادی که دو زبانه هستند در بقیه ی درس ها موفق تر از افراد تک زبانه عمل می کنند. پس دو زبانه بودن نقش اهرم کمک کننده را در یادگیری زبان انگلیسی بازی می کند.

وضعیت یادگیری زبان انگلیسی بزرگسالان در ایران

چرا بزرگسالان زبان انگلیسی را خیلی دیرتر و سخت تر یاد می گیرند؟ چرا به ظاهر بزرگسالان قدرت تمرکز بالایی برای یادگیری زبان انگلیسی ندارند؟ و دیگر سوالات مشابه که جواب های آنها به صورت متفاوت در ذهن عموم مردم وجود دارد. همانطوری که می دانیم یک نوزاد از موقعی که به دنیا می آید تا به سن حداقل ۴ سالگی (سنی که قالب زبان یک فرد شکل می گیرد) برسد، حداقل روزی ۱۰ ساعت بیدار است. ۱۰ ساعت بیداری یک کودک یعنی این که آن کودک در معرض فراگیری زبان قرار می گیرد. از آنجایی که خانواده یک کودک، او را تنها نمی گذارند و به طور مداوم با او صحبت می کنند، مثلاً به او می گویند "عزیزم گریه نکن"، "گرسته؟" و دیگر جملاتی که یک خانواده در کنار آن کودک با هم رد و بدل می کنند. شنیدن صحبت ها توسط یک کودک یعنی تحلیل زبانی توسط او که به صورت یک فرایند ناخودآگاه ذهنی صورت می گیرد. تحلیل فرایند ذهنی، یعنی فراگیری زبان است. وقتی یک کودک ۴-۵ سال می شود، می تواند تقریباً بطور پایه و نرمال یک زبان را صحبت کند و بفهمد. پس اگر همه چیز را مرور کنیم متوجه می شویم که:

$$۶۰ \times ۱۰ \times ۳۶۵ \times ۴ = ۸۷۶۰۰۰$$

طول هر ساعت به دقیقه	۶۰
حداقل ساعت روزانه در معرض فراگیری زبان	۱۰
تعداد روزهای یک سال	۳۶۵
حداقل سنی که قالب زبان یک فرد شکل می گیرد	۴
حداقل دقایقی که یک کودک در معرض فراگیری زبان قرار می گیرد	۸۷۶۰۰۰

و اما یادگیری زبان انگلیسی در بین بزرگسالان در ایران

در ایران، هر فرد بزرگسال در حالت ایده آل (و اما غیر ممکن)، هفته ای سه جلسه در کلاس زبان انگلیسی زبانکنده شرکت می کند یعنی:

طول هر جلسه به دقیقه	۹۰
تعداد جلسات کلاس زبان انگلیسی در هر هفته	۳
تعداد هفته های یک ماه	۴
تعداد ماه های یک سال	۱۲
حداکثر دقایقی که یک فرد بزرگسال در معرض یادگیری زبان قرار می گیرد	۱۲۹۶۰



یک بخش از معادله یادگیری زبان انگلیسی روشن است یعنی هنگامی رقم ۱۲۹۶۰ را با ۸۷۶۰۰۰ مقایسه می کنیم متوجه می شویم که به این شیوه که بزرگسالان در ایران زبان انگلیسی را یاد می گیرند، یک بزرگسال حداقل ۶۷ سال نیاز دارد تا بتواند زمان لازم را صرف یادگیری زبان انگلیسی بکند و این یعنی یک مشکل بزرگ. البته مدت زمان تمرین کردن و یادگیری زبان انگلیسی یک بزرگسال در خارج از کلاس، باعث می شود که رقم ۶۷ کمی کمتر شود.

پس با زمان صرف شده توسط بزرگسالان، ناامیدی معنی ندارد و نیاز است وقت بیشتری صرف یادگیری و تمرین کردن زبان انگلیسی شود که متأسفانه از طرف بزرگسالان به یادگیری زبان انگلیسی کم لطفی می شود و تقصیرات را گردن همه می اندازند به جز خودشان.

عمر پاییزی یادگیری زبان انگلیسی دانش آموزان و دانشجویان

وقتی به درددل دانش آموزان و دانشجویان گوش می دهیم، می گویند که " معلم ها مقصر هستند که از پایه با ما زبان انگلیسی خوب کار نکردند"، و از این گونه حرفهای غیر منطقی. بگذارید متن پایین را با هم بخوانیم تا ببینیم آیا واقعاً معلم ها مقصر هستند؟؟؟ در سیستم آموزشی ایران، یک دانش آموز هفته ای یک جلسه (۹۰ دقیقه) به کلاس زبان انگلیسی می رود. طبق حالت ایده آل در نظام آموزشی ایران(که هیچ وقت رخ نمی دهد)، دانش آموز در یک سال تحصیلی ۹ ماه به کلاس زبان انگلیسی می رود.

$$1 \times 90 \times 4 \times 9 = 3240$$

تعداد جلساتی که دانش آموز هر هفته کلاس زبان انگلیسی می رود	۱
طول یک جلسه به دقیقه	۹۰
تعداد هفته در یک ماه	۴
طول یک سال تحصیلی به ماه	۹
حد اکثر دقایقی که دانش آموز در یک کلاس زبان انگلیسی حاضر می شود	۳۲۴۰

شایان ذکر است که ۳۲۴۰ دقیقه سهم یک دانش آموز نیست و اگر یک کلاس ۳۰ نفره باشد، سهم یک دانش آموز ۱۰۸ دقیقه در یک سال تحصیلی است و به همین شکل، هرچه تعداد دانش آموزان بیشتر شود، سهم آنها کمتر می شود. مثلاً اگر تعداد دانش آموزان یک کلاس ۴۰ نفر باشد. آن وقت سهم یک دانش آموز ۸۱ دقیقه می شود. اگر ۸۱ دقیقه را با ۸۷۶۰۰۰ دقیقه (حالت طبیعی فراگیری زبان در کودکان) مقایسه کنیم، متوجه می شویم که به این شیوه برای یادگیری زبان انگلیسی، ۱۰۸۱۴ سال نیاز است. این چند سال نیز زیاده تر می شود، زیرا ۹۰ دقیقه در هر جلسه صرف آموزش می شود، مشخص است که نه. معلم باید حضور و غیاب کند، امتحان بگیرد و غیره. البته مدت زمان تمرین کردن و یادگیری زبان انگلیسی یک دانش آموز در خارج از کلاس، باعث می شود که رقم ۱۰۸۱۴ کمی کمتر شود.

پس مقصر چه کسی است؟ البته مشخص است، خود دانش آموز می باشد. یک دانش آموز از ۲۴ ساعت زندگی روزانه چقدر را صرف یادگیری زبان انگلیسی می کند؟ چقدر زبان انگلیسی تمرین می کند؟ و یا به دیگر فعالیتهای زبان انگلیسی می پردازد؟ اگر این ها را به دانش آموز بگوییم، می گوید "مگر من کار دیگری ندارم"، "مگر من همه زندگی ام یادگیری زبان انگلیسی است؟" و از این گونه سخن ها. یک دانش آموز کارهای دیگری هم دارد، ولی "هم خدا و هم خرما نمی شود". پس برای یادگیری زبان انگلیسی باید وقت گذاشت. بی شک این دانش آموز می گوید "پس کار معلم زبان انگلیسی چیست؟" ما می گوئیم کار معلم زبان انگلیسی راهنمایی دانش آموز است نه آموزش کل زبان انگلیسی. یعنی کار اصلی معلم زبان انگلیسی جهت دادن به یادگیری زبان انگلیسی و بررسی کردن یادگیری آن است و کار یک دانش آموز یادگیری و تمرین کردن زبان انگلیسی است.

پس سخن را کوتاه می کنیم و می گوئیم " دانش آموزان، دانشجویان و داوطلبان زبان انگلیسی، معلم با این مدت زمان کوتاه کلاس زبان انگلیسی، برای شما نمی تواند کاری کند. شما هستید که باید فکری به حال خودتان بکنید و وقت اصلی را صرف یادگیری کنید. هر وقت نیاز به راهنمایی دارید تا راه یادگیری زبان انگلیسی را اشتباه نروید، سراغ معلم های زبان انگلیسی بروید."

مدت زمان لازم برای یادگیری زبان انگلیسی

یک ضرب المثلی است که می گوید "گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی" این برای یادگیری زبان انگلیسی نیز کاربرد زیادی دارد. نگاهی به زبان انگلیسی و یادگیری آن بکنیم، توقع بی اساس است وقتی که فکر کنیم با چند جلسه کلاس زبان انگلیسی رفتن باید زبان انگلیسی صحبت کنیم و بنویسیم و بفهمیم.

برای یادگیری زبان انگلیسی، یک فرایند یادگیری وجود دارد که با آن تعداد جلساتی که داوطلبان کلاس زبان انگلیسی می روند، به دست نمی آید و نیاز به وقت طولانی تری است. به روش دیگر موضوع را بیان کنیم. تا آنجا که ما دیدیم وقتی داوطلبان به سمت یادگیری زبان انگلیسی می روند بعد از حداکثر مدتی رها می کنند و ناامید می شوند. علت را هم که می پرسیم، آنها می گویند "زبان انگلیسی سخت است و ما چیزی یاد نگرفتیم"، "زبانکده ها چیزی به انسان یاد نمی دهند" و مواردی از این قبیل.

واقعاً چرا این گونه می گویند و چاره ی کار کجاست؟ جواب سوال هم خیلی آسان است. همه دنبال یادگیری زبان انگلیسی در مدت کوتاه هستند. به عنوان مثال، محصول کشاورزی برای رسیدن به ثمره نیاز به مدت زمان خاص دارد. یادگیری زبان انگلیسی هم نیاز به مدت زمان خاص دارد.

اما اینکه مدت زمان چقدر باید باشد این بحث دیگری است. اگر ملاک در یادگیری زبان انگلیسی همان مدت فراگیری یک کودک برای زبان مادری خودش باشد (در مقاله "موقعیت یادگیری زبان انگلیسی بزرگسالان در ایران")، پس باید خودمان حساب کنیم تا ببینیم که چقدر وقت لازم است.

البته هر چه مدت زمانی که داوطلبان صرف یادگیری زبان انگلیسی می کنند را بررسی کردیم، دیدیم که مدت زمانی که این داوطلبان صرف می کنند خیلی کمتر از وقت ملاک قرار داده شده برای یادگیری زبان انگلیسی است. به اندازه ای کم است که اصلاً به چشم نمی آید و هنوز جا دارد.

حالا چکار کنیم؟ ناامید و مأیوس نشویم و جلو برویم که یادگیری زبان انگلیسی سخت نیست و باید وقت بیشتری را صرف کنیم.

شاه کلید یادگیری زبان انگلیسی

یک ضرب المثل انگلیسی می گوید "Practice Makes Perfect" که معادل آن در زبان فارسی می شود "کار نیکو کردن از پر کردن است". اگر آن را به دنیای یادگیری زبان انگلیسی ربط دهیم، یعنی رمز موفقیت یادگیری زبان انگلیسی، تمرین کردن است. مهم نیست یک داوطلب از کجا شروع کند، آنچه مهم است این است که تا کجا ادامه دهد.

داوطلبان زیادی یادگیری زبان انگلیسی را شروع می کنند، ولی بعد از مدت کوتاهی رها می کنند. آنها فکر می کنند همان مدت کوتاه یادگیری زبان انگلیسی کافی است چون باور می کنند که یادگیری زبان انگلیسی سخت است و کاری نمی توان کرد.

برای یادگیری زبان انگلیسی نیاز به زمان طولانی است و با مدت کوتاه نمی توان کاری کرد. پس زود قضاوت نکنید و بیشتر تمرین کنید که درمان یادگیری زبان انگلیسی است. در شروع، چقدر اشتباه می گویند مهم نیست، مهم این است که تمرین می کنید. یادتان هم باشد تا اشتباه نگویند هیچ وقت درست نمی گویند. اشتباه گفتن هم در آغاز خیلی زیاد است (شک نکنید) لیکن به مرور زمان کم می شود.

پس معادله مقدار یادگیری خودتان را از ضرب مقدار تمرین کردن در طول زمان بدست بیاورید.

طبق یک الگوی درست باید تمرین کرد. البته یک مشاور زبان انگلیسی را فراموش نکنیم. اگر این ها در کنار هم باشند (تمرین

کردن+مشاور تخصصی+الگوی زبانی درست) خیلی جلو هستیم. می گویند نه، امتحان کنید(البته یادتان باشد ما امتحان کردیم و نتیجه گرفتیم).

اعتماد به نفس، شاه کار یادگیری زبان انگلیسی

ظاهراً این جمله ی معروف منصوب به ناپلئون بناپارت است که می گوید " آنقدر شکست خوردم تا راه شکست دادن را یاد گرفتم ". برای یاد گرفتن زبان انگلیسی هم تا اشتباه نگوئیم، هیچ وقت هم درست نمی گوئیم. یعنی از اشتباه گفتن هراس نداشته باشیم و باید صحبت کنیم. تا ترس از اشتباه گفتن هست، یادگیری وجود نخواهد داشت. برای تترسیدن و یاد گرفتن، اعتماد به نفس لازم است. یعنی وقتی شروع به صحبت کردن به زبان انگلیسی می کنیم، فقط باید به صحبت کردن فکر کنیم و نترسیم که بقیه افراد چه می گویند. فقط حواسمان به توانایی گفتن خودمان باشد. هرچه مانیتور در حین یادگیری زبان انگلیسی کمتر باشد، یادگیری ما بالاتر می رود (مانیتور این است که یک یادگیرنده زبان انگلیسی مثلاً موقع صحبت کردن، به این فکر نکند که کلماتی که گفته از نظر تلفظ اشتباه هستند یا درست؟ جمله ای که گفته از نظر گرامری درست است یا اشتباه؟) یعنی فقط تمرکز کند که عمل صحبت کردن، نوشتن و یاد گرفتن اتفاق افتد. ما نمی گوئیم یک داوطلب زبان انگلیسی، یاد بگیرد که اشتباه تلفظ بکند یا اشتباه بنویسد. ما می گوئیم که **بعداً تصحیح کند**. البته معلم ها و اساتید نقش مهمی در این دارند که یاد بدهند اول اعتماد به نفس مهم است و بعد یادگیری. دانش آموزان اشتباه گفتند، که گفتند، مهم نیست، آنچه که مهم است این است که آنها صحبت می کنند. بعد از مدتی که شهامت و جرات صحبت کردن را یافتند، باید سراغ "تصحیح کردن" رفت.

موتور شتاب دهنده به یادگیری زبان انگلیسی

همه می خواهند زبان انگلیسی را یاد بگیرند. به قول خودشان زبان بین المللی است، همه جای دنیا به کار می آید و عباراتی از این قبیل. افرادی هستند که هیچ وقت یادگیری زبان انگلیسی را شروع نمی کنند و فقط شعار یادگیری را می دهند. افراد دیگر هم شروع می کنند ولی به چند روز نرسیده رها می کنند، بعضی ها هم چند روز دیرتر رها می کنند و همین طور تا آخر. ولی افرادی هستند که یاد می گیرند. آنهایی که یاد می گیرند یک عنصر مشترک دارند. آن عنصر "انگیزه" است. هیچ وقت پیش نیامده است عمقی فکر کنیم که چرا باید زبان انگلیسی را یاد بگیریم یا برای فرزندانمان توضیح دهیم که چرا آنها را سراغ زبانکده می فرستیم یا یک معلم برای دانش آموزان یا یک استاد برای دانشجویان توضیح بدهد که علت یادگیری زبان انگلیسی چیست. پس صحبت ما راجع به این است که برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی، سرمایه گذاری روانی (یا روانی-زبانی) لازم است. منظور از سرمایه گذاری روانی که می گوئیم یعنی هر وقت توانستیم برای فرزند، دانش آموز، دانشجو یا هر داوطلب این موضوع را روشن کنیم و او را به این باور برسانیم که چرا او باید زبان انگلیسی را یاد بگیرد، آموزش خودمان را شروع کنیم و از او بخواهیم که زبان انگلیسی را یاد بگیرد. پس یک خواهش از والدین، معلم ها، اساتید و خود داوطلبان زبان انگلیسی، **اول سرمایه گذاری روانی و بعد آموزش**.

سایه ی رابطه خویشاوندی زبان های انگلیسی و فارسی بر یادگیری زبان انگلیسی

زبان های انگلیسی و فارسی هم خانواده نیستند یعنی بین آنها رابطه ی پدری و فرزندی یا رابطه ی خواهری وجود ندارند. دو زبان هم که رابطه ی خویشاوندی ندارند، آزمایش DNA، عدم تشابه آنها را ثابت می کند. عدم تشابه یعنی گرامر متفاوت، تلفظ متفاوت، کلمات متفاوت و در کل یک عالم تفاوت. مشخص است این همه تفاوت، رشد یادگیری را پایین می آورد تا جایی که کار یادگیری مشکل می شود: یادگیری تلفظ های جدید، ساختارهای جدید و غیره.



کار معلم و دانش آموز از آنجایی مشکل می شود که معلم باید تفاوت ها را به شکل درست یاد بدهد و داوطلب باید آنها را درست یاد بگیرد. طبق شواهد موجود در جامعه، الگوی مناسبی برای یادگیری تدریس تفاوت ها وجود ندارد. وجود نمرات منفی برای یک دانش آموز در هنگام امتحان ثمره عدم وجود الگوی مناسب است. این همه نمره منفی باعث می شود که یک دانش آموز فکر کند یا "خیلی خنگ است" یا "زبان انگلیسی خیلی سخت است".

پس باید فکری به وضعیت عدم فامیل بودن دو زبان انگلیسی و فارسی بکنیم که گریبان همه دانش آموزان را گرفته است و زبان انگلیسی را برای آنها تبدیل به یک هیولا کرده است.

چاره چیست؟ معلم ها باید در شیوه های برخورد با تفاوت های بین زبان انگلیسی و زبان فارسی تجدید نظر بکنند و باید دنبال آخرین الگو های مدرن بدست آمده مرتبط با تدریس و یادگیری تفاوت های زبان انگلیسی باشند و آنچه که قابل تعمیم باشد را به کار ببرند و در حقیقت بومی سازی کنند. داوطلبان زبان انگلیسی باید بر روی تفاوت های بین زبان انگلیسی و فارسی بیشتر تمرکز کنند. یعنی اینکه بیشتر از دیگر موارد تمرین کنند.

تمرین بیشتر به معنی آسان تر کردن یادگیری زبان انگلیسی است. پس هرچه تمرین بیشتر باشد یادگیری آسان تر و راحت تر می شود. در غیر این صورت، استرس و ترس همیشه دست به دست تفاوت های زبان انگلیسی می گذارد و تا یک داوطلب زبان انگلیسی بخواهد به انگلیسی صحبت کند، نمی تواند.

استرس فقط با تمرین کردن کم رنگ تر می شود. تنها راه حل این است و آن هم باید طبق الگو های درست باشد. البته بعضی داوطلبان دنبال میانبر می گردند که در یادگیری زبان انگلیسی، هیچ الگوی درستی میانبر ندارد. این میانبر ها، موضعی، کوتاه و مسکن کننده هستند، نه درمان کننده. پس فریب این همه اخبار و تبلیغ های عجیب مضحک بازاری آموزش زبان انگلیسی را نخورید.

بدون الگو و متخصص یادگیری زبان انگلیسی جلو نرویم

برای یادگیری زبان انگلیسی نیاز است که یک داوطلب الگوی زبانی داشته باشد و از یک مشاور زبان انگلیسی پیروی کند. این را هم باید معلم ها به دانش آموزان و هم اساتید به دانشجویان خودشان یاد بدهند. والدین هم حمایت کنند که پیروی از یک الگوی یادگیری زبان انگلیسی، مسیر یادگیری را هدفدار می کند و داوطلب زبان انگلیسی را به مقصد می رساند.

این روزها خیلی از مؤسسات پژوهشی و دانشگاه های فعال در آموزش زبان انگلیسی الگوهای یادگیری خاصی را ارائه می کنند که یک داوطلب یکی را انتخاب می کند. ولی باید:

۱. از الگویی تبعیت کنیم که بیشتر با روان ما مطابقت داشته باشد.
۲. از الگویی استفاده کنیم که بیشتر بومی ساز شده باشد یعنی این که در منطقه و کشور ما بررسی و آزمایش شده باشد و موفقیت لازم را به دست آورده باشد.

۳. هر الگو را با مشورت متخصصان یادگیری زبان انگلیسی و با دقت بالا انتخاب کنیم ولی هر چند مدت الگو عوض نکنیم.

۴. هیچ الگویی در یادگیری زبان انگلیسی بطور کامل تایید یا رد نمی شود. پس بعضی وقت ها لازم نیست بطور کامل از یک الگو تبعیت کرد و می توان با الگوی دیگر استفاده کرد.

۵. ممکن است که هیچ الگویی بطور کامل با سیستم روانی یادگیری ما مطابقت نداشته باشد، آنچه که ما باید انجام بدهیم انعطاف پذیری در تبعیت از مناسب ترین الگو ها می باشد.

بنابراین با متخصصان یادگیری زبان انگلیسی مشورت کنیم و ببینیم کدام الگو یا الگوها را انتخاب کنیم. وقتی که انتخاب کردیم، مهم است که "چگونه اجرا کنیم". اینجا است که به یک متخصص یادگیری زبان انگلیسی نیاز پیدا می کنیم. یک متخصص که تفسیر عملی یک الگو را با ما کار کند. برای ما تصمیم بگیرد که چه وقت باید اتفاق کرد، چه وقت باید انعطاف پذیری کرد و غیره.

معلم ها و اساتید هم باید کمک کنند که یک دانش آموز یا دانشجوی به باور الگوی یادگیری زبان انگلیسی برسد و سپس به او کمک کنند در استفاده کردن از الگوی درست موفق باشد. والدین هم همیار باشند. اگر این گونه شود امید است که مسیر یادگیری کمتر منحرف بشود.

ارتباط متخصصان ادبیات انگلیسی با آموزش زبان انگلیسی چیست؟ ما که نفهمیدیم!!!

سر فصلهای درسی دانشگاهی رشته ی دانشجویان زبان و ادبیات انگلیسی نشان می دهد که آنها شعر و ادبیات انگلیسی می خوانند و سخن از مشاهیر ادبی انگلیسی می گویند. به عنوان مثال آنها می گویند که شکسپیر این طوری گفت و فلان شاعر انگلیسی آن طوری گفت. اصلاً تخصص آنها این است و از بحث اینگونه مقوله ها لذت می برند. روز ها به امید یافتن دانش جدید از ادبیات انگلیسی به دانشگاه می روند و شب با یک مشت ایده های ادبی دانشگاهی، به منزل می آیند. هرچه تمرکز دارند بر روی مقوله های ادبی می گذارند. تحقیق برای نمره گرفتن، مرتبط به ادبیات انگلیسی می شود، امتحان های میان ترم و پایان ترم هم همین گونه است. هرچه که باشد، در حیطه ی ادبیات انگلیسی خلاصه می شود. وقتی این دانشجویان فارغ التحصیل می شوند، استاد یا محقق ادبیات انگلیسی می شوند. سراغ دانشجویان آموزش زبان انگلیسی می رویم، می بینیم که اصلاً عمده سرفصلهای درسی آنها در دانشگاه به شیوه ی آموزش و یادگیری تلفظ، کلمات، گرامر، درک مطلب و دیگر مقوله های مرتبط با آموزش زبان انگلیسی برمی گردد. اگر قرار است تحقیق بنویسند غالباً در این حیطه می نویسند، امتحان های میان ترم و پایان ترم هم همین طور. خلاصه هرچه باشد، در حیطه شیوه ی آموزش و یادگیری خلاصه می شود. وقتی این دانشجویان فارغ التحصیل می شوند استاد یا محقق در آموزش زبان انگلیسی می شوند. در ایران معادله چطور رقم می خورد؟ معمولاً فارغ التحصیلان رشته ادبیات انگلیسی، آموزش دهنده زبان انگلیسی می شوند. تلفظ درس می دهند، گرامر درس می دهند، درک مطلب درس می دهند و غیره. خلاصه همه ی عناصر زبان انگلیسی را درس می دهند به غیر از ادبیات انگلیسی!!! معلوم است که نتیجه آن چه می شود.

البته فارغ التحصیلان رشته مترجمی زبان انگلیسی هم وزن و معادل فارغ التحصیلان رشته زبان و ادبیات انگلیسی هستند. جالب تر از همه، جاهایی می بینیم افرادی هستند که صرفاً چون خارج از کشور بودند، مدرس زبان انگلیسی می شوند. گناه آن داوطلب و دانشجوی درس زبان انگلیسی چیست که اینگونه با او معامله می شود؟ اگر قرار شود هرکسی که صرفاً یک زبان بلدان آن را بصورت آکادمیک و کلاسیک درس بدهد، برآستی چند نفر از ما می توانیم کتابهای دستور زبان فارسی مدارس را خوب درس بدهیم؟ پس یک خواهش از دوستان و همکاران این است که تجدیدنظری در این وضعیت بکنند تا شاید...

نگاهی هم به فرهنگ زندگی انگلیسی زبانان و تفاوت های فرهنگی بیاندازیم تا شاید...

هر زبانی زائیده یک فرهنگ و جزء لاینفک آن است. صرفاً کلمات بی روح یک زبان و گرامر آن را نباید فقط حفظ کرد. دانستن درباره فرهنگ زبان انگلیسی به داوطلبان یادگیری انگلیسی کمک می کند که بستر کاربری کلمات را بهتر بدانند. از یک مثال ساده و کمی بی ربط شروع می کنیم که یک دانشجو ایرانی بعد از این که از مسابقه فوتبال آمده بود، گفت:

“We ate three flowers”

یک دوست انگلیسی زبان داشتیم خیلی فکر کرد که “flowers” یعنی “گل ها” و “ate” یعنی “خوردیم”، این ها چه ربطی به نتیجه مسابقه فوتبال دارد. البته دوستان ایرانی متوجه شدند که منظور آن دانشجو چه چیز بود، احتمالاً شما هم متوجه شدید. ولی یک انگلیسی زبان هیچ وقت ربط این جملات را به مسابقه فوتبال و نتیجه آن متوجه نمی شود. بین فرهنگ ها، تفاوت و تشابه وجود دارد. از آنجایی که بین فرهنگ زبان های موجود در ایران و فرهنگ زبان انگلیسی تفاوت خیلی زیاد است، یادگیری سخت تر می شود.

پس چاره چیست؟ دانستن درباره فرهنگ زبان انگلیسی برای یادگیری زبان انگلیسی به ما کمک می کند. به طور مثال انگلیسی ها برای غذا خوردن دور سفره جمع نمی شوند و از میز غذاخوری استفاده می کنند؛ کارمندان از کارت اعتباری بانکی زیاد استفاده می کنند که ما در ایران استفاده نمی کنیم؛ برای آنها بین عمه و خاله یا دایی و عمو موقع صحبت کردن هیچ فرقی نمی کند همانطوری که برای ما وقتی می گوئیم “او رفت” بین مذکر یا مؤنث بودن آن فرقی نمی کند و الی آخر!!!!!!!!!!!!!!

صرفاً فقط کلمات انگلیسی را خواندن و حفظ کردن، مشکلات زیادی برای یادگیری زبان انگلیسی می آفریند. جایی می رسیم که زبان انگلیسی روان صحبت می کنیم و می نویسیم ولی یک انگلیسی زبان متوجه نمی شود که ما چه می گوئیم.

علل اختلاف نظر درباره شیوه ی یادگیری زبان انگلیسی چیست؟

درباره ی یادگیری زبان انگلیسی بین صاحب نظران آموزش زبان انگلیسی در ایران اختلاف نظر زیادی وجود دارد که بخشی به این علت است که در ایران تحقیق خیلی درست و حسابی نداریم و هر چه داریم مربوط به پایان نامه های دانشجویی است که در دانشگاه ها صورت می گیرد که چقدر قابل اعتماد هستند؟ ما ندیدیم دانشجویان دکتری یا کارشناسی ارشد یک عالم وقت و سرمایه بر روی یک پایان نامه بگذارند. البته گناهی هم ندارند دانشجو هستند و باید مدرکی بگیرند.

یک بخش دیگر به علت تعمیم تحقیقات موجود در جهان به ایران (چه با تغییر چه بی تغییر) است. بعضی وقت ها می شود. بعضی وقت ها نمی شود، که در این صورت نتیجه هم که مشخص است وقتی در زمستان آن هم در تبریز انتظار داشته باشیم درخت خرما ثمره بدهد. مشخص است ثمره نمی دهد. ولی بعضی ها هستند که سلیقه ای و بی خبر از همه جا و به خاطر برخی عقاید می گویند تحت شرایطی ثمره می دهد، اگر این طوری شود یا اگر آن طوری شود. حال این طوری و آن طوری، آن هم در یادگیری زبان انگلیسی باعث شده ما یک مشکل بی درمان داشته باشیم.

ممکن است تفاوت زیادی بین دو برادر یا یک دانش آموز با پسر همسایه اش یا دو همکلاسی در یادگیری زبان انگلیسی باشد. همه اختلاف ها طبیعی است، نه باید تعجب کنیم و نه بترسیم. ولی کاری که والدین برای فرزند خودشان باید انجام بدهند یا یک داوطلب برای خودش، این است که تفاوت ها را پیدا کند و مناسب ترین شیوه ی موجود را برای یادگیری زبان انگلیسی بر اساس آن تفاوت ها استفاده کند. البته این کار تخصصی است و نیاز به مشاور زبان انگلیسی دارد.

در یادگیری زبان انگلیسی، به دنبال خروجی باشیم

یادگیری زبان انگلیسی فقط داشتن ورودی زبان انگلیسی نیست یعنی یادگیری زبان انگلیسی به معنی صرفاً یاد گرفتن زبان انگلیسی نیست و پا را باید فراتر گذاشت و دنبال خروجی آنچه یاد گرفته شده باشیم. خروجی که می گوئیم یعنی به کار بردن هر چه یاد گرفته باشیم. وقتی خروجی زبان انگلیسی (به کار گیری زبان انگلیسی) خود را بیشتر محک بزنییم در حقیقت یادگیری خودمان را محک زدیم. هر چه بیشتر یادگیری خود را محک بزنییم، بهتر یاد می گیریم. بهتر یاد گرفتن هم هدف ما است. پس هر وقت چیزی را در راستای زبان انگلیسی یاد گرفتیم، دنبال به کارگیری آن باشیم. به کارگیری مطالب یادگرفته شده باید بیشتر و بیشتر بشود، که اگر این گونه شد یادگیری آسان تر و عمیق تر می شود.

به کارگیری بیشتر هم اگر رشد کرد، به جایی می رسد که دانش ناخودآگاه شکل می گیرد. ناخودآگاه بودن هم آخرین مرحله روانی یادگیری زبان انگلیسی است.

پس داوطلبان به خودشان، معلم ها به دانش آموزان، اساتید به دانشجویان و والدین به بچه هایشان این الهام را بکنند که هدف نهایی در یادگیری زبان انگلیسی، استفاده ناخودآگاه زبان انگلیسی است که با بکارگیری مداوم و متنوع آنچه یاد گرفته شده است حاصل می شود. البته به کارگیری، فقط شامل صحبت کردن و نوشتن به زبان انگلیسی نیست و باید درباره کلمات به انگلیسی فکر کنیم و با همان حالت تفکر انگلیسی صحبت کنیم و بنویسیم که همه این ها با کمک یک متخصص زبان انگلیسی ممکن می شود. یعنی از متخصص زبانی بخواهیم به ما ایده بدهد که چکار کنیم تا آن گونه شویم. بعد از این که یاد گرفتیم، به طور مداوم ادامه بدهیم. وسط راه رها نکنیم و همین گونه با او در ارتباط باشیم. وقتی به حالت نهایی رسیدیم، با قدرت کامل آن را حفظ کنیم.

استفاده از تکنیک های مختلف در یادگیری لغات

دانش آموزان و دانشجویان زمان زیادی را صرف یادگیری لغات زبان انگلیسی می کنند. اما متأسفانه میزان یادگیری لغات زیاد نیست و معلمان و حتی خود زبان آموزان از میزان یادگیری راضی نیستند مشکل زمانی ایجاد می شود که زبان آموزان بخواهند لغات را در گفتار خود به کار ببرند. اما متأسفانه در همان هنگام لغات از ذهن می گریزند و زبان آموزان در ذهن خود به دنبال لغات می گردند. از لحاظ عمل و تئوری، کلمه نقش اساسی در زبان آموزی دارد. حتی در یادگیری زبان اول هم همین گونه است. کودک زبان مادری را با کلمه یاد می گیرد. سپس کلمه را تبدیل به جملات دو کلمه ای می کند و بعد به طول کلمات می افزاید. در یادگیری زبان مهارت های مختلفی دخالت دارند، اما در تمام مهارت ها، واژگان نقش کلیدی دارند. در تئوری های مختلف کلمات به صورت های مختلفی یاد گرفته می شوند.

دو روش مختلف یادگیری لغات به صورت زیر است:

۱. روش تصادفی/غیر عمدی

۲. روش عمدی

در روش تصادفی، کلمات زبان دوم یا زبان انگلیسی در هنگام خواندن مطالب آموخته می شوند و هدف یادگیری لغات نیست. اما در روش عمدی زبان آموز عمداً واژگان را طوری می آموزد، که در حافظه طولانی مدت باقی بماند. در این مقاله به معرفی چند روش مهم یادگیری کلمات پرداخته می شود. این روشها با نام های مختلفی مانند "استراتژی" و "تکنیک" یا "یادیار" خوانده می شوند اما نام آن هرچه باشد روش های مؤثری برای یادگیری لغات هستند که در طولانی مدت فراموشی کمتری هم به دنبال دارند:

• **روش میخی** : در این روش واژگان جدید را به صورت شعر یاد بگیرید تا در ذهنتان بماند.

• **روش کلمات کلیدی** : در این روش با دیدن یک کلمه ی جدید، دوکار انجام دهید.

در قدم اول کلمات مشابه کلمه ی جدید را در نظر بگیرید. در قدم دوم تصویر آن کلمه را در ذهن خود مجسم کنید به طوری که کلمه جدید با کلمه مشابه در زبان اول به صورت تصویری ربط داده شود.

مثلاً در زبان فرانسه Pan به معنای نان و در زبان انگلیسی به معنای ماهیتابه است. این واژه را می توان به صورت تصویرسازی یک ماهیتابه که در وسط آن یک تکه نان قرار دارد یاد گرفت.

• **روش مکانی** : این یک روش قدیمی است. مکانی را مانند یک اتاق در نظر بگیرید سپس تمام اجسامی را که در آن قرار دارند را در نظر گرفته و نام آنها را در آن اتاق مجسم کنید.

• **روش دسته بندی** : در این روش کلمات مشابه را طبقه بندی کنید مانند: طبقه بندی اجسام هندسی columns ، square ، triangle .

• **روش انگشتی** : در این روش هر کلمه جدید را به یک انگشت ربط دهید و با تکرار آن را یاد بگیرید.

• **روش تصویر سازی** : برای برخی از کلمات جدید که امکان دارد تصویر آن را بکشید و کلمات را با تصویر یاد بگیرید. این روش برای زبان آموزان مبتدی مناسب است. مثلاً تصویر یک خانه کوچک را بکشید و کنار آن واژه house را بنویسید و هر دو را با هم در نظر بگیرید تا فراموش نکنید.

• **روش ربطی** : کلمات جدید زبان انگلیسی را با کلماتی که از قبل معنی آن را می دانستید ربط دهید. مثلاً واژه Bill board واژه جدید است که می خواهید یاد بگیرید. شما معنی واژه board را می دانستید پس Bill board را به آن ربط دهید تا واژه جدید فراموش نشود.

• **روش داستانی** : واژگان جدید را در یک داستان جدید قرار دهید و برای خود داستانی خنده دار بسازید.

• **روش مطابقت معنایی** : در این روش واژه کلیدی را در مرکز قرار داده و واژگان مربوط به آن را در اطراف آن اضافه کنید.

- **روش باز یافت:** روش آخر روش بازیافت کلمات است. در این روش دوره کردن کلمات نقش کلیدی در یادگیری دارد.

موبایل، کامپیوتر و تبلت سکوی همیشه آماده پرتاب برای یادگیری زبان انگلیسی

موبایل، کامپیوتر و تبلت معلمانی هستند که ۲۴ ساعته می توانند در خدمت یادگیری زبان انگلیسی باشند. پس به آنها به صورت عمیق تر فکر کنیم.

اگر عمیق تر فکر کنیم، متوجه می شویم که خیلی می توانیم از این معلم ها برای یادگیری زبان انگلیسی استفاده کنیم. اگر نگاهی به دستاوردهای نرم افزاری یادگیری زبان انگلیسی بیاندازیم، متوجه می شویم که واقعاً برای یادگیری زبان انگلیسی چقدر مفید هستند. از فرهنگ لغت های معروف دنیا گرفته، تا تمرین مهارت سخن گفتن انگلیسی، گزارش تلفظ داوطلب زبان انگلیسی و دیگر موارد نرم افزاری که کمتر به ذهن خیلی از داوطلبان زبان انگلیسی می رسد. هر چه معلم می تواند انجام بدهد، موبایل، کامپیوتر و تبلت می توانند با کیفیت خیلی بالا انجام دهند.

البته ذکر این نکته ضروری است که هر برنامه ی نرم افزار یادگیری زبان انگلیسی قابل اعتماد نیست و یا کارایی مورد نظر را ندارد و باید از متخصصان و اساتید زبان انگلیسی بیشتر از فروشندگان نرم افزارهای زبان انگلیسی کمک بگیریم.

سخنی با اساتید زبان انگلیسی

آنچه را که در محیط آموزشی دانشگاه ها شاهد هستیم این است که تحت عنوان تحقیق از دانشجویان خواسته می شود که برای درس های زبان انگلیسی پیش، عمومی و تخصصی، متنی را ترجمه نمایند. چند درصد دانشجویان متن ها را خودشان ترجمه می نمایند؟

طبق نظرسنجی انجام شده توسط مؤسسه پژوهشگران اندیشمند در سطح کلانشهر اهواز از ۵۰۰ دانشجو در مقطع کاردانی و کارشناسی که ترجمه تحت عنوان تحقیق در ترم های گذشته از آنها خواسته شده بود، **کمتر از ۱٪ دانشجویان ترجمه متون انگلیسی را خودشان انجام داده بودند** و بقیه ترجمه و تایپ فارسی ترجمه انجام گرفته شده را به کافی نت و مراکز مشابه سپرده بودند. مورد قابل توجه اینکه، طبق مصاحبه انجام گرفته شده با آنها این نکته مشهود گردید که این افراد حتی نبودند متن انگلیسی و ترجمه آن را مطالعه کنند و از همه مهم تر طبق نظر آنها، نمره کامل تحقیق را دریافت کرده بودند.

طبق مصاحبه انجام شده با بعضی از اساتید زبان انگلیسی، این مطلب مشهود گردید که همه آنها از این روند ترجمه توسط دانشجویان اطلاع داشتند.

حال این نکته قابل توجه است که وقتی اساتید زبان انگلیسی می دانند که کار ترجمه را دانشجویان خودشان انجام نمی دهند، چرا ترجمه تحت عنوان تحقیق از دانشجویان خواسته می شود؟ واقعاً چه هدف و قصد علمی وجود دارد؟ آیا به غیر از اینکه پولی به حساب کافی نت

منتقل گردد، اتفاق پژوهشی و یادگیری زبان انگلیسی رخ می دهد؟ با این شیوه آیا ممکن است که پژوهش در حیطه مرکز دانشگاهی رخ دهد؟ و سوالات متفاوت که پاسخ به آنها ما را به نگرش ناراحت کننده ای راهنمایی می کند.

پس از اساتید زبان انگلیسی خواهش می نمایم، در این نوع شیوه ی تحقیق و پژوهش تجدید نظر نمایند و به تحقیق و پژوهش بهای خاصی دهند زیرا علاوه بر اینکه هیچ نوع یادگیری زبان انگلیسی رخ نمی دهد، هیچ پژوهشی نیز انجام نمی گردد.

معرفی واحد مشاوره درمانی یادگیری زبان انگلیسی

واحد مشاوره درمان یادگیری زبان انگلیسی وابسته به مؤسسه پژوهشگران اندیشمند متشکل از ۶ مشاور متخصص در زمینه های مختلف آموزش زبان انگلیسی، ۶ مشاور روانشناس متخصص در زمینه های روان و یادگیری، یک مشاور متخصص در زمینه روانشناسی-آموزش زبان انگلیسی، یک مشاور متخصص در زمینه تکنولوژی آموزشی، یک مشاور متخصص در زمینه مدیریت آموزشی، یک مشاور متخصص در زمینه کامپیوتر و آموزش زبان انگلیسی، آماده ارائه خدمات در بررسی، تشخیص، مشاوره و درمان کودکان تا بزرگسالان در زمینه های ذیل می باشد:

۱. طراحی و تدوین برنامه های آموزشی ویژه یادگیری زبان انگلیسی
۲. آموزش شیوه ی موفق مدیریت به کارگیری دانش زبان انگلیسی
۳. افزایش انگیزه در یادگیری زبان انگلیسی
۴. برنامه ریزی پیش از یادگیری موارد خاص زبان انگلیسی
۵. آشنایی و کاربرد با ابزارهای آموزشی در یادگیری زبان انگلیسی
۶. آموزش مدیریت استرس، مهارت ها، بهبود، شناخت درمانی و رفتار درمانی در یادگیری زبان انگلیسی
۷. تشخیص، درمان و توانبخشی در مشکلات روانی یادگیری زبان انگلیسی
۸. پیشگیری از عودت یا تشدید مشکلات یادگیری زبان انگلیسی و کاستن از رنج های روانی مربوطه
۹. تقویت رفتار مثبت و تحکیم سلامتی روان در یادگیری زبان انگلیسی

و دیگر خدمات مرتبط

هر کدام از ۱۵ مشاور این واحد، دارای حداقل مدرک تحصیلی دکتری و سوابق پژوهشی، تألیفی و دانشگاهی می باشد.

واحد مشاوره درمانی آماده ارائه خدمات به صورت کلاسهای آموزشی و همایش برای خانواده ی کارمندان و کارمندان ادارات، سازمانها و مراکز آموزشی می باشد.

شما هم به فکر استفاده از خدمات واحد مشاوره باشید.